

مصلحت‌طلبی و موروثی شدن حکومت

ابراهیم فیاض

آیون، ش ۳۱۲۳، ۱۳۸۷/۱۰/۲۸

چکیده: آقای فیاض در این مقاله می‌کوشد مصلحت‌گرایی در دوران خلفا عامل اصلی و تاریخی، در شکل‌گیری واقعه عاشورا معرفی و با نگاهی جامعه‌شناسانه، تبدیل شدن حکومت الاهی را به سلطنت موروثی؛ از پدیده‌های مصلحت‌طلبی مسلمانان در صدر اسلام بشناساند.

عاشورا یک واقعه تاریخی معمولی نیست و می‌تواند در علوم اجتماعی و مردم‌شناسی مباحث دامنه‌داری را ایجاد کند. در واقعه مقدمات و نتایجی دارد. بعضی از مقدمات از چنان اهمیتی برخوردار هستند که فقدان آنها، می‌تواند از رخداد ماجرا به همان صورت متحقق جلوگیری کند. به نظر می‌رسد از میان مقدمات، عامل اصلی و تاریخی، نوعی مصلحت‌گرایی در صدر اسلام باشد که بر اجرای احکام مقدم شده بود. این مصلحت‌گرایی را می‌توان در امتناع از مجازات مالک بن نویره دید که همسرش به بهانه نپرداختن خمس کشته شد. حتی جنبه‌های دیگری از مصلحت‌گرایی در تقسیم بیت‌المال و غنائم و... رسوخ کرد که طبیعتاً به نفع اشراف بود. رواج مصلحت‌گرایی اساساً ارزش‌های اصلی را که بنیاد انسجام اجتماعی جامعه هستند، سست می‌کند. جامعه در چنین شرایطی، جهت خاصی را برای میل به آن ندارد.

بازتاب اندیشه ۱۰۷
۳۸
مصلحت‌طلبی
و
موروثی شدن
حکومت

از این رو به حالت سرگردانی درآمده و به استبداد کردن می‌نهد؛ زیرا زمانی که ارزش‌ها نیروی محرکه جامعه نباشد، زور و تغلب هدایت جامعه را به دست می‌گیرد. در گذشته نیز

امام حسین علیه السلام با چنین جامعه‌ای روبه‌رو بود. در امتی که همواره در حال تشتت و گذار است، هیچ ارزشی حاکم نیست. پس همواره کهن‌تران بر مهتران می‌شورند. یزید در این میان شخصی بود که فساد رسمی را علنی کرد، در حالی که قبلاً قرارداد اجتماعی معاویه در مورد اجتناب از ولی عهدی کردن حکومت یک‌طرفه فسخ گردیده بود. این خلدون انحطاط جهان اسلام را ناشی از قلب خلافت به پادشاهی می‌داند؛ زیرا در چنین رویه‌ای پسر، تنها به خاطر رابطه نسبی و بدون در نظر گرفتن لیاقت شخصی بر تخت می‌نشیند. از این رو استبدادی موروثی، اشرافی و خانوادگی پا به عرصه وجود می‌گذارد. این‌گونه جامعه‌ای که از مصلحت‌گرایی آغاز کرده بود، به برقراری ضد‌مصلحت می‌رسد. این ضد‌مصلحت اتفاقاً چنان جذاب می‌نماید که حتی گروه به ظاهر سطحی مثل بنی‌عباس نیز در همان رسم طی طریق می‌کنند. بعدها بنی‌عباس از حکومت شورایی چشم‌پوشی کرد و به جای آن حکومتی موروثی را انتخاب نمود که به شکست در جنگ‌های صلیبی و مغلوب شدن در برابر مغول منتهی شد.

حکومت شورایی قرن‌ها بعد یعنی امروزه در ایران در قالب نظام ولایت فقیه تکرار شد. در نظام ولایت فقیه شورای نخبگان در انتخاب و نظارت بر رهبری فعالانه حضور دارند و طبیعی است که باید تلاش کرد از موروثی شدن حکومت (که ظاهراً بعضی به دنبال آن هستند) پیش‌گیری کرد. در زمان امام خمینی علیه السلام ایشان از یک حق طبیعی برای رهبری برخوردار بود. این حق رهبری از سوی مردم مورد تأکید قرار گرفت. پیش از آن نیز امیرالمؤمنین علی علیه السلام توسط مردم برای رهبری انتخاب شد و شورا دخالتی جدی نداشت. حرکت مردمی برای برگزیدن امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان امام حسین علیه السلام بار دیگر تکرار شد. خورجین‌های پر از نامه امام را (که مکلف به ظاهر است) بر آن داشت تا علیه ساختار فاسد بشورد. امامت حق الهی می‌باشد که پذیرش آن آزادانه و اجتماعی صورت می‌پذیرد. چنانچه کسی با امام بیعت نمی‌کرد، مورد تعقیب قرار نمی‌گرفت. مگر این‌که دست به توطئه می‌زد. همین رفتار را پیشاپیش امیرالمؤمنین علیه السلام انجام داده بود.

● اشاره

مقاله آقای فیاض از جهاتی قابل تأمل و بررسی است که در ذیل به آن‌ها اشاره‌ای می‌شود؛

۱. با توجه به این‌که رویکرد مقاله، جامعه‌شناسانه است، وی سعی دارد با نگاهی جامعه‌شناختی به تاریخ عاشورا، عوامل و نتایج آن، به رویکرد آن بپردازد. تا آنجا که به

این نتیجه می‌رسد که مصلحت‌طلبی در حکمرانی، پایانی جز موروثی شدن حکومت نداشته و موروثی شدن حکومت برآیند مصلحت‌طلبی حاکمان پیشین است، در حالی که باید توجه کرد موروثی شدن حکومت (که خارج شدن حکومت از قالب اسلامی به قالب عربی بود) در نتیجه فرآیندهای خاص اجتماعی و دیرپایی اتفاق افتاد که از آن فرآیندها می‌توان به عادات حکمرانی در میان اعراب اشاره کرد، به ویژه آن که سخن درباره پدیده‌ای است که ۶۱ سال پس از تشکیل حکومت اسلامی اتفاق افتاد. یعنی آن که ساختار جامعه قبیله در دوره مورد بحث و حتی پیش از آن، به گونه‌ای بود که نفس قبیله‌ای که از تکاثر یک نژاد پدید آمده، به خاطر عصبیت و فخرطلبی می‌کوشد به سمت و سویی برود که تمام موقعیت‌های ویژه جامعه را، از آن خود کند. مگر موقعیت‌ها و مفاخری که الاهی و غیراکتسابی هستند در نتیجه حکومت قبیله‌محور به سوی حکومتی موروثی سوق پیدا می‌کند و حکمرانی ارثی و خونی می‌گردد و البته مصلحت‌طلبی یکی از مؤلفه‌هایی است که اثر آن در موروثی شدن حکومت، در مقام اهتمام پس از چندین فاکتور قدرت‌یابی و قدرت‌طلبی قرار می‌گیرد؛ یعنی تا تلاش برای حفظ قدرت شخص، عصبیت و حفظ عظمت خاندان هست، (که خودبه‌خود این مؤلفه‌ها برای موروثی کردن حکومت کافی است) دیگر برای موروثی شدن، نوبت به مصلحت‌طلبی نمی‌رسد، مگر آن که مصلحت‌طلبی را از سطح خواص به سطح خلیفه بکشانیم؛ یعنی آن که تا زمانی که خواص هستند و خود را محق در فرمانروایی می‌دانند، دستور حاکم مبنی بر موروثی شدن قدرت، بی‌نتیجه و حتی با عکس‌العمل شدید خواص مواجه خواهد شد. همان‌طور که بسیاری از خواص در دوره اول موروثی شدن حکومت یعنی دوران یزید، یا تن به بیعت نداده یا بر او شوریدند. پس اگر خواص موروثی شدن حکومت را پذیرفتند، تازه آن موقع نیز این کار را می‌توان در راستای نوعی تقسیم قدرت مشاهده کرد، نه مصلحت‌طلبی.

۲. ایشان نمونه‌ای را برای بیان مصلحت‌گرایی در صدر اسلام نام می‌برد که نه هیچ‌جا دیده شده و نه از کسی شنیده شده است و آن عدم مجازات مالک بن نویره، پس از قتل همسرش به خاطر عدم پرداخت خمس است. در حالی که به شهادت تاریخ، همسر مالک که ام‌تیم دختر منهال بود،^۱ در زمان یورش خالد بن ولید به قبیله یربوع و در نتیجه کشته شدن مالک زنده بوده و خالد با وی در همان شب همبستر شده بود^۲ و به نظر می‌آید آوردن چنین سخنی از سوی آقای فیاض، نوعی تلاش برای پاک کردن صورت مسئله جنایت خالد بن ولید باشد. و علاوه بر آن مثال، ایشان درباره مصلحت‌گرایی در صدر اسلام، اشاره به تقسیم بیت‌المال و غنائم دارد که به عقیده وی به نفع اشراف بوده، در صورتی که

۱. عسقلانی، الاصابة فی تمییز الصحابه، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج اول، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۵۶۱.
 ۲. همان، ج ۲، ص ۲۱۸.

آنچه در تقسیم غنائم در دوره حضرت رسول اکرم ﷺ اتفاق افتاد، هرگز به واقع، به سود اشراف نبود بلکه سهم بیشتر اشراف که مؤلفه قلوبهم بودند از باب تألیف قلوب آنها به اسلام به خاطر ضعف ایمانشان و حفظ اسلام از خطر آنها بود، و این پرداختها، هیچ فضیلتی نیست تا آنکه سودی به حال داشته باشد و اتفاقاً در دوره خلفا برخلاف سیره نبوی، سهم مؤلفه قلوبهم پرداخت نشده و عمر نامه ابابکر را درباره پرداخت سهم مؤلفه قلوبهم را پاره کرده و گفت: «هیچ نیازی به شما نداریم؛ چراکه خدا اسلام را عزت بخشیده و از شما بی نیازمان کرده است»^۱.

۳. اگر مقصود از صدر اسلام و مصلحت‌گرایی در آن، دوره خلفای سه گانه باشد، بله. چون مصلحت‌گرایی در این دوره، در مورد عدم مجازات خالد بن ولید عبیدالله بن عمر پس از قتل زن ابولؤلؤ، جفینه و دختر کوچک او،^۲ بازگرداندن حکم ابن ابی‌العاص از تبعید به طائف و بذل و بخشش‌های فراوان به او و فرزندانش، پذیرفتنی است، اما اصطلاح صدر اسلام دوره پیامبر ﷺ و حضرت علی ﷺ را نیز شامل می‌گردد که هرگز مصلحت‌طلبی این‌چنینی را در آن دوره نمی‌توان یافت، چه در برخورد پیامبر یا منافقان، یا صلح حدیبیه و یا عکس‌العمل علی ﷺ در برابر معاویه. حضرت علی ﷺ نیز به شدت با مصلحت‌گرایی به این معنا به مبارزه پرداخت تا آنجا که در خطبه ۱۲۶ نهج‌البلاغه در پاسخ کسانی که می‌گفتند به خاطر مصلحت فعلاً مساوات و برابری را مسکوت عنه بگذارد، فرمود: «شما از من می‌خواهید که پیروزی را به قیمت تبعیض و ستم‌گری به دست آورم؟» بله، مصلحت‌گرایی در دوره خلفای سه‌گانه و به‌ویژه پس از انتخاب معاویه به حکمرانی شام و برخورد متمایز خلیفه دوم با او و نامیدن وی به کسرای عرب،^۳ نمود پیدا می‌کند.

۴. آقای فیاض معتقد است که «جدانیت موروثی شدن حکومت از راه مصلحت‌گرایی تا بدانجاست که حتی... بنی‌عباس در همان رسم طی طریق می‌کردند»، در پاسخ می‌گوییم که اصل جامعه عربی جاهلی، بر تفاخر تباری بوده، به گونه‌ای که قرآن در سوره نکاتر به این نکته اشاره نموده که برای فخرفروشی حتی قبر مردگان خود را شمارش کرده و بر تعداد مردگان زیاد خود فخر می‌کردند و هرچند در جامعه اسلامی که پیامبر اکرم ﷺ تلاش فراوانی کرد تا جامعه نبوی از جامعه جاهلی به طور کامل گسست پیدا کند، اما در سقیفه بان، رگه‌های تفکر جاهلی دیده شد، که نباید نبوت و خلافت در یک خاندان گرد آیند و بلکه قبائل دیگر نیز باید از آن بهره‌مند باشند. حال آن‌که همان‌گونه که نبوت امری الهی و به خاطر شایستگی فرد نبی بود، در امامت نیز این مسئله امتداد داشت و اسلام تفاخر طایفی و قومی

۱. قدوری بغدادی، الجوهرة النيرة، چاپ کراچی، باب من یجوز دفع الصدقة الیه و من لایجوز، ص ۱۶۴.

به نقل از: چکیده اندیشه‌ها محمد تیجانی.

۳. مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، تحقیق: عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، چ سوم، ۱۳۶۴، ص ۲۶۰.

را به طور کامل رد کرد و دیگر این که بنی عباس هرگز به حکومت شورایی قائل نبوده و در تمام مدت ۵۲۴ ساله حکومتشان، به چنین چیزی تن ندادند.

۵. ایشان بر این باورند که نبود حکوت شورایی، باعث شکست از صلیبی ها و مغولان شد، در حالی که مغولان از ممالیکی شکست خوردند که حکومتشان شورایی نبود و صلیبی ها را صلاح الدین ایوبی مغلوب نمود که او نیز علاقه ای به حکومت شورایی نداشت و ادعای شکست خوردگی از صلیبی ها و مغولان، به خاطر نبود حکومت شورایی بلا دلیل است.

۶. این سخن که حکومت شورایی امروزه در ایران در قالب نظریه ولایت فقیه تکرار شده است، محل تأمل و تردید است. علاوه بر ایراد در مطلق گویی عبارت ایشان، نیازمند توضیح است که ولایت فقیه امتداد ولایت رسول الله ﷺ است نه سقیفه و شورای خلیفه دوم و ولایت فقیه، برگشت به روایات ائمه و امام مهدی (عج) می کند. آن جا که فرمود: «در زمان غیبت به روایان احادیث ما رجوع کنید که آن ها حجت من بر شما و من حجت خدا هستم»^۱ و «از کسانی از فقیهان که پارسا بوده و از نفس خود صیانت می کنند و حافظ دین خودشان اند و با هوای نفس مخالفت می کنند، تقلید کنید»^۲ و «در اختلافات به روایان حدیث ما که... احکام ما را طبق موازین عقلی و شرعی می شناسند، رجوع کنند»^۳ و آنچه در دوره خلفا اتفاق افتاد، حکومت شورایی نبود، بلکه انتخاب شورایی بود. بعضی به حکومت شورایی و ولایت فقها به صورت شورایی قائل بودند، ولی این مسیوق به سابقه در دوره اسلامی و حتی دارای تأییدات ائمه نبود و در دوره نواب اربعه نیز چنین چیزی نبود. اگر شورای دوره خلفا برای آقای فیاض مورد تأیید است، گفتنی است که شورای ابداعی خلیفه دوم، به گونه ای برنامه ریزی شده بود که نتیجه از اول مشخص بود. در نهج البلاغه خطبه سوم آمده: «دومی در نهایت خلافت را برای سومی رقم زد». در سندی دیگر آمده: «و دومی خلافت را میان شش تن شورا قرار داد تا یکی را بر این کار انتخاب کنند و گواهی داد که این ها از اهل بهشتند و پیامبر اعظم ﷺ به هنگام مرگ از آن ها خشنود بوده است. اما در عین حال دستور داد اگر [پنج نفر دیگر] با یکی از ایشان که انتخاب می شود، بیعت نکنند، همه را گردن زنند»^۴ و اما شورای سقیفه به معنی واقعی شورا نبود؛ چراکه بسیاری از

۱. اربلی، کشف الغمه فی معرفة الائمه، ج ۲، ص ۱۰۲۵.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۰۴؛ مسند امام صادق، ج ۱، ص ۴۲.

۳. نک: دینوری، امامت و سیاست (تاریخ خلفا) ترجمه، ناصر طباطبایی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰، ص ۴۳؛ التنبیه والاشراف، مسعودی، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ج دوم، ۱۳۶۵، ص ۲۶۷.

۴. فیض کاشانی، راه روشن (ترجمه محجة البیضاء) ترجمه: صادق عارف، آستان قدس، ج اول، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۹۳.

بزرگان صحابه در آن شرکت نداشتند که از آن جمله علی رضی الله عنه، سلمان، مقداد، عمار و... بودند و انتخاب خلیفه اول در شورای سقیفه، تحت رفتارهای خاص خلیفه دوم در آن بوده و پس از انتخاب اولی، دودستگی میان مسلمانان پدید آمده و عده‌ای از مسلمانان در زمره مرتدان قرار گرفتند، و چون حاضر به پرداخت زکات به خلیفه نشدند، مرتد خوانده شدند و به قتل رسیدند. علاوه بر آن عده‌ای از پاکان، قربانی نتیجه شورا شدند، از آن جمله دختر پیامبر ص و...، اما درباره ولایت فقیه باید گفت، از ویژگی‌های حکومت ولایت فقیه نسبت به حکومت شورایی، انتخاب فقیهان در یک انتخابات آزاد و اجازه حضور همه واجدین شرایط است که به وسیله مردم انتخاب شده و به رهبری سخاوت کرده و حق انتخاب ولی فقیه بعدی را می‌یابند و این با شورای سقیفه که عده‌ای خود دعوت آمدند و شورای دومی که نتیجه‌اش از قبل مشخص بود، بسیار متمایز است. پس شورایی که در انتخاب رهبر در ولایت فقیه نقش دارد، تنها تشابه اسمی با حکومت شورایی صدر اسلام دارد، وگرنه در تمامی مؤلفه‌ها متفاوت است. این که ظاهراً عده‌ای به دنبال موروثی کردن ولایت فقیه هستند، ادعایی بی‌دلیل و بنیاد است که با تأمل در شرایط رهبری و درنگ در وظایف مجلس خبرگان بی‌اساسی این سخن واضح‌تر می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی